

عباس نادران؛ تهیه کننده:

تلفیقی از همکاری دونسل متفاوت

شروع همکاری با کارگردان این اثر چطور شکل گرفت؟

تقریباً از چهار سال پیش، پروسه ساخت این فیلم کلید خورد. البته در ابتدا قرار بود با کارگردان بزرگوار دیگری این فیلم را کار کنیم که خوب به دلیل عدم فیلمنامه خوب، راغب به ساخت این فیلم نشدم. تا اینکه دوستان در سازمان اوج تصمیم گرفتند که این پروژه را با یک فیلمنامه نویس دیگر و البته با پژوهش کامل تر تولید کنند. که خوب پس از مدتی فیلمنامه به یک پلانی رسید و تنها نیازمند بازنویسی بود. در این میان آقای شامحمدی نیز به عنوان گزینه کارگردانی مطرح شد.

نویسنده اثر چه کسی بود؟ و چه مدت صرف نگارش و تحقیقات شد؟

نویسنده اثر علیرضا محصولی است و این فیلم اولین فیلمنامه ساخته شده از ایشان است. که قرار است چند اثر دیگر نیز به زودی از ایشان ساخته شود. مدت نگارش نیز تقریباً قبل از اینکه به همکاری برسیم حدود ۶ الی ۷ ماه طول کشیده بود که هر چند قبل از آن نیز همانطور که گفتم حدود ۳ سال صرف پژوهش شده بود. لذا پس از صحبت و نشست‌های متعدد با آقای محصولی، تصمیم گرفتم که برای بازنویسی اثر از آقای امیر حسین عسگری که خود کارگردان به نامی است، کمک بگیریم که ایشان نیز در تمام پروسه همراه و همدل بود. به همین خاطر مجدداً، حدود ۴ ماه صرف بازنویسی فیلمنامه کردیم تا رسیدیم به این نسخه‌ای که ساخته شد.

کارگردان این اثر کارگردان اولی است، کار با او چطور بود؟

همواره کار کردن با یک کارگردان اولی برایم جذاب بوده، فکر می‌کنم در سینمای ایران اگر قرار باشد اتفاق جدیدی بیفتد، قطعاً شانس بزرگش حمایت از کارگردان اولی هاست، چرا که این افراد دغدغه‌مند هستند، هنوز درگیر قواعد بخش و فروش نیستند و سینمای آن‌ها، سینمای ذاتی خودشان است. البته درباره کار کردن با آقای شامحمدی انگیزه‌های دیگری نیز وجود داشت که شانس همکاری ما را بیشتر از پیش می‌کرد. مثلاً ایشان با ساخت مستند روایت فتح و مستندات دیگر، نشان می‌داد که کارگردان توانمند و مسلط به سوژه است. به همین خاطر پس از چند جلسه صحبت و معاشرت مطمئن شدم که او بهترین گزینه برای انتخاب است.

با توجه به تجارب تهیه‌کنندگی شما، این فیلم از فضای متفاوت تری برخوردار است، چه شد که تصمیم به تهیه‌کنندگی این اثر گرفتید؟

من به عنوان تهیه‌کننده همیشه این چالش را داشتم که به سمت آثاری بروم که در کارنامه هنری‌ام اثر ماندگار و متفاوتی باشد. حال با توجه به اینکه آثاری که تهیه‌کنندگی کردم چقدر توانسته به این نکته نزدیک باشد، بحث دیگری است. اما همواره برایم چالش تهیه و تولید از مرحله فیلمنامه شروع می‌شود نه مرحله پیش تولید و تولید، یعنی من از مرحله فیلمنامه ورود می‌کنم و سعی دارم همیشه با فیلمنامه‌نویس درباره جزئیات به صحبت بپردازم. خوب دغدغه ساخت فیلم دفاع مقدسی همیشه برایم وجود داشت اما عقیده و تحلیلیم اینطور بود که زمانی به این عرصه ورود بکنم و یک اثری را تولید کنم که چیزی به سینمای دفاع مقدس اضافه کند و از تکرار مکررات به دور باشد. در واقع دوست نداشتم که تجربیات استفاده شده دیگران را تجربه کنم، بیشتر تمایل داشتم که مخاطب دهه ۸۰ و ۹۰ بتواند از قهرمانانی که برای تمامیت ارضی این وطن از جان خود گذشتند، تصویر درستی مجسم کند. تمام تلاش مادر فیلم مجنون این بود که قهرمان ملی، شهید مهدی زین الدین، نامش از یک اتوبان تنها به یک تصویر واقعی و شناخته شده تبدیل شود.

با هم تمایل دارید که در این فضا کار کنید؟

با تمام سختی‌هایی که در پروسه تولید فیلم وجود داشت علی‌رغم تمام کم‌لطفی و بی‌مهری‌هایی که مادر گیرش بودیم و سر فرصت در این خصوص حرف خواهیم زد، قطعاً بله. البته به شرطی که فیلمنامه، سوژه جذاب و کارکرد روز داشته باشد و بتواند روایت جدیدی را به سینمای ایران اضافه کند.

در فرایند تولید همه چیز طبق برنامه‌ریزی پیش رفت؟

بله. علی‌رغم تمام چالش‌ها و بدقولی‌هایی که در حق مان شد، خوشبختانه و خدا را شکر آقای شامحمدی با توجه به تجربه خوبی که در فیلم‌های مستند قبلی خود داشت، توانست طبق زمان بندی پیش‌بینی شده، پیش برود.

پراکندگی لوکیشن کار به چه شکل بود؟ در کدام مناطق فیلمبرداری شد؟

کل فیلم در استان خوزستان (آبادان، خرمشهر، اهوار، شادگان و...) فیلمبرداری شد و تعداد مناطق فیلمبرداری شده نیز تقریباً ۳۲

لوکیشن بود.

اتفاق ویژه‌ای در اثر «مجنون» بود که بخواهید به آن اشاره کنید؟

مهم‌ترین اتفاق ویژه‌ای که در فیلم ما بود؛ همدلی یک گروه بسیار همراه در طول کار (پیش تولید، تولید، پس تولید) بود که با جان و دل مایه گذاشتند. به نظرم اگر همکاری گروه فیلم «مجنون» که در طول شبانه‌روز زحمت کشیدند، نبود قطعاً این فیلم به نحو مطلوب به سرانجام نمی‌رسید.

یکی از امتیازهای فیلم شما همکاری با مجید انتظامی است، آهنگسازی که بعد از ده سال دوری با مجنون به سینما برگشت، این همکاری چطور شکل گرفت؟

در ابتدا زمانی که پیشنهاد همکاری به آقای انتظامی دادیم، مانند پروژه‌هایی که در این ده سال قبول نکرده بود، به دلیل کسالت جسمی، نپذیرفت. اما از ایشان خواهش کردم که فیلم را ببیند، چرا که معتقد بودم با دیدن «مجنون» نظرش تغییر خواهد کرد. دقیقاً هم همینطور شد، ایشان بعد از اینکه نسخه کامل فیلم را دیدند با آغوش باز استقبال کردند و در نتیجه طی چند جلسه هم‌نشینی، آهنگسازی این فیلم توسط ایشان انجام شد. لذا این همکاری برایم بسیار لذت‌بخش و شیرین بود، چرا که آقای انتظامی با ساخت موسیقی برای آثار فاخر، تداعی‌کننده خاطرات و روزهای خوش دهه ۶۰ و ۷۰ است که در آن مقطع، عاشق سینما شدیم. لذا معتقدم که فیلم «مجنون»، تلفیقی از همکاری دونسل متفاوت سینمای ایران است.

سجاد بابایی بازیگر:

تلاش کردم نقشم را واقعی بازی کنم نه نمایشی

وجه تمایز مجنون با آثار سینمایی که تا الان در آن حاضر بودید چه بود؟

موضوع تمایز در گفتمان بازیگری درست نیست چرا که تمایز، وجه اشتراک کار ماست نه ویژگی یک بازیگر. ما وظیفه داریم کاری کنیم که دو کاراکتر از هم متمایز نشان داده شود و هر یک با ویژگی‌های مخصوص به خودش با نقش متفاوت باشد. بنابراین برای من هنرمند این سوال اساساً جور دیگری کاربرد دارد.

مهمترین چالش‌هایی که در حین این پروژه از سر گذرانید چه بود؟

در این مدل فیلم‌ها به واسطه سختی‌ها و فرم حاکم بر اجرا که شرایط جنگی‌رای طلبید، خود فضا‌ایزاری به بازیگر پیشنهاد می‌دهد که تا امروز با آن روبرو نبوده‌است. مثلاً آب، آتش، حتی انفجارهای بزرگ واقع‌نما در طول فیلمبرداری و تکرار طولانی آن در کنار روند ظریفی که اجرای این نقش می‌طلبید به نظرم برایم بسیار چالش برانگیز بود.

درباره نقش تان بگوئید؟ چه ویژگی‌هایی داشت؟

ویژگی هر کاراکتری توامان با بازی آن نقش معنا می‌شود. مثلاً وقتی که من دارم این شخصیت را بازی می‌کنم که فراتر از خودم هست، ناگهان بخشی از من هم به ابعادی در روحم دسترسی پیدا می‌کند که تا الان با آن در زندگی مواجهه نداشتم، پس عملاً باید طوری آن را بازی کرد که بی‌معنا و سطحی و پوچ نشود. این معنا هم اول از همه برای خود بازیگر پدید می‌آید و طبیعتاً بعد از آن کارگردان متوجه آن خواهد شد. بعد از شناخت نقش، این من نیستم که نقش را خلق می‌کنم، این نقش است که دارد من را در محیط خلق می‌کند. از طرفی من وظیفه پیدا می‌کنم بخاطر وسعت خود شخصیتی که با آن روبرو هستم، خودم را وسیع کنم. درست مثل ورزش‌هایی که شما بدون انعطاف قادر به انجام‌شان نیستید. خوب طبیعی است که برای این کار اقدامات و رنج‌هایی را گذراندم تا به نقش شهید زین الدین برسیم.

تغییر ظاهر محسوس برای این نقش داشتید؟

یکی از آنها تغییر وزنم بود که مجبور بودم در طول مدتی معین به آن برسیم که در حین کار هم ادامه پیدا کرد.

دوست داشتید نقش شهید زین الدین کاملاً بر اساس واقعیت باشد یا سجاد بابایی بر اساس ذهنیت و مطالعه خودش آن را در اجرا پیش برد؟

به نظرم، وقتی داریم در مورد یک اثر داکيومنتال و مبتنی بر سرگذشت حرف می‌زنیم، در واقع ما حق نداریم ادا در بیاوریم، ما حق نداریم چیزی که اصالت دارد را تبدیل به یک پدیده فیک و غیرواقعی کنیم. من بر مبنای ویژگی‌های خود مهدی زین الدین شروع به ساختن و زیستن نقش کردم. تازه آن وقت فهمیدم بازی در نقش یک آدم کنشگر چقدر سخت است و اتفاقاً همانجا بود که تصمیم گرفتم تا جای ممکن به طبیعی‌ترین شکل نقش را پیدا و بر اساس شناخت بروز دهم و تلاشم را بکنم انسانی و قابل لمس بازی کنم. قصد ابرقهرمان شدن را در بازی کردنم نداشتم، خواستم قابل

لمس و وفادار به واقعیت باشم.

برای روبرویی با نقش به چه مستنداتی رجوع کردید؟ چه کارهایی کردید تا به نقش مسلط شوید؟

هر چیزی که قابل دسترسی بود، برای من خواندنی و حیاتی بود. قبل از هر چیز به تمام مکتوبات چاپی و تصویری که توانستم مراجعه کردم (بعد مستندی بنام فرماندهان بود که در درجه اول تلاش کردم هر چه بتوانم خصوصیات فیزیکی رفتاری شناختی را از آنجا ببینم) دو ما کارگردان، مهدی شامحمدی خوشبختانه به تاریخ جنگ تسلط داشت، باهم تعامل و گفت‌وگو می‌کردیم. سعی کردم اول نوع نگاهش به نقش این قصه و این فیلم را بشناسم و باهم به یک نقطه مشترک برسیم و هر آن چیزی که بین مان قطعی می‌شد نتیجه اش جلوی دوربین در فیلم است.

مهدی زین الدین دقیقاً چه نوع آدمی بود که باعث شد آن را بازی کنید؟

آدم بود، خیلی... کافی است همین الان بروید جزیره مجنون تا باقی رانیزارهای هور و جزیره به شما بگویند...

چه مدت تمرین کردید؟ دست‌تان باز بود برای ارائه خلاقیت؟ نحوه هدایت بازیگری چطور بود؟ نحوه تعامل؟

بنظرم زیستن در این نقش به قدر کافی خودش خلاقانه هست. چون تقلید آن را نابود می‌کند و در عین حال از واقعیت موجود نمی‌توان دور شد. برای من، به قدری این نقش حساس و سخت بود که برای درست انجام دادنش مجبور بودم از زیست عادی و روتین خودم قطع بشوم و کاملاً متوقف در زندگی دیگری باشم. همین قدر به شما بگویم که مدتی که در جنوب بودیم، زندگی خود سجاد بابایی را متوقف کردم و به جای آن زندگی را تجربه کردم که به تجربیات نقش نزدیک‌تر باشد تا ببینم چه احساسی در من ایجاد می‌کند. کارهایی را انجام می‌دادم و در عین حال کارهایی را از روتینم به طور خود خواسته حذف کردم که مواجهه با آن تا قبل و انجام ندادنش سخت بود. از طرفی در تمام مدت و در طول فیلمبرداری چیزهایی نظیر انفجارها و شرایط واقع‌نما در قصه، گذاشتم بر من اثر بگذارد چون حس می‌کردم برای ساختن نقش موثر است.

چه کاری بیش از هر چیز دیگه در نقش زین الدین به قصد بازی کردن آن را انجام دادید و در نهایت برایتان چالش بود؟

طبیعتاً خواب بودن رونمی‌شود بازی کرد ولی خود را به خواب زدن را چرا. ولی این نمایشی از طبیعت انسان است. در این نقش چالش‌های خیلی بزرگ انسانی بود که با آن‌ها روبرو بودم، نمایش سطحی آنجا شاید به عدم باور پذیری می‌انجامید. تلاش کردم مثلاً می‌خواستم با دلتنگی خود خواسته و دوری کردن طی یک پروسه مشخص، تغییر یک سری چیزها را ببینم که چه اثری بر من می‌گذارد. دور شدن از آدم‌هایی که برایت مهم هستند و ندیدن حرف زدن با آنها و ایزوله کردن همه چیز که با رعایت آنها بتوانم خود را در شرایط جنگ تصور کنم و ببینم حالا با این فشار چه سجادی از من بروز پیدا می‌کند؟ نمایش این فشار روانی به من در خروجی نقش بسیار کمک کرد تا بتوانم یک شخصیت را واقعی بازی کنم نه نمایشی! بازی کردن این جور نقش‌ها حساس است و من سعی کردم بخشی را واقعی و بخشی را ذهنی بسازم. البته در این میان، رژیم سخت غذایی هم چیز بسیار طاقت فرسای بود.

فیلم‌های پر تره زندگی شهدا شائبه سفارشی بودن را پیش می‌آورد. آیا مجنون را یک فیلم سفارشی می‌دانید و این حضور برای شما ریسک نداشت؟

پاسخ این سوال رواز مردم خواهیم گرفت من شخصاً دوست داشتم نقش یک قهرمان جنگی را بازی کنم که در نهایت باز خورد آن را مردم خواهند گفت.

شما با کارگردان‌های موفق و باتجربه‌ای همکاری کردید، تجربه همکاری با یک کارگردان اولی چطور بود؟ چه ویژگی‌هایی داشت؟

این کلمه کار اولی یا دومی مسئله ذهنی است و به زعم من حقیقت ندارد؛ یک کارگردان همیشه کارگردان است. چه بسا کارگردان‌های خیلی جوان و کاردرستی داریم که رزومه طولانی ندارند. به هر حال باید بگویم که من با کارگردان توانمندی کار کردم. **با توجه به کسب سیمرغ مکمل سال قبل، امسال شانس سیمرغ را برای خودتان با توجه به تلاشی که برای این نقش طی کردید چقدر می‌دانید؟**

اگر اجرای نقشی که من بازی کردم ارزش داشته باشد، خودش را نشان می‌دهد و اگر کار من با ارزش باشد شک ندارم که دیده می‌شود. به هر حال هیچ کس از داوری و رقابت بدش نمی‌آید اما واقعیتش این است که من از آن دسته بازیگرانی نیستم که بخواهم صرفاً برای جایزه بازی کنم.